



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

مديريت

علائق

مهاجرت



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مدیریت ، عدالت ، مهدویت

نویسنده:

صمصام الدین قوامی

ناشر چاپی:

مجله انتظار

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	مدیریت، عدالت، مهدویت
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۸	عدالت چیست؟
۱۰	علل و موجبات عدل
۱۱	مدیریت چیست؟
۱۱	وظایف مدیریت
۱۱	انواع مدیریت
۱۱	مدیریت عادلانه
۱۲	مدیریت عادلانه مهدوی
۱۲	سازماندهی
۲۰	اوصاف کلی یاران مهدی علیه السلام
۲۳	برنامه ریزی
۳۶	نظارت
۴۱	انگیزش
۴۷	درباره مرکز

نمایه سازی قبلی: نمایه سازی قبلی

شماره کتابشناسی ملی: ایران ۸۵.۲۵۵۰۰

عنوان و نام پدیدآور: مدیریت، عدالت، مهدویت/صمصام الدین قوامی

منشأ مقاله: مجله انتظار، ش ۱۴، زمستان ۱۳۸۳: ص ۱۸۷ . ۲۱۸

توصیفگر: مهدویت

توصیفگر: عدالت

توصیفگر: ظهور منجی

اشاره

مهدی به عنوان مظهر انسان کامل، عالترین نوع مدیریت را عرضه می کند. نقطه ثقل مدیریت کامله آن حضرت (عدالت تمام عیار) است. عدالت معانی متنوعی دارد. (میانه روی در امور) مساوات و عدم تبعیض، عدم ارتکاب کبیره و عدم اصرار بر صغیره، نهادن هر چیزی در جای خود، دادن حق هر ذیحق، برابری اجتماعی (قسط) رعایت مفسد و مصالح در قانون گذاری، نقطه تعادل تمامی فضائل، تناسب و توازن و... و نیز وظائف مدیریت عبارتند از (سازماندهی) برنامه ریزی، نظارت رهبری و انگیزش.

در این مقاله سعی شده است برای تبیین مدل (مدیریت عادلانه مهدوی) وظایف پنج گانه مدیریت را با احتساب مفاهیم متنوع عدالت، ترکیب و تحلیل شود و اثبات گردد که در همه ابعاد فردی و اجتماعی، اخلاقی و سازمانی، درونی و بیرونی، اقتصادی و سیاسی، مادی و معنوی، مدیریت آن حضرت عدالت محور بوده است، معیارهایی مانند شایسته سالاری، فراوانی اقتصادی، امنیت، آبادانی، معنویت، پیشرفت، خدمت، عدم ظلم و ستم، بسط علم و آگاهی، رشد و تعالی همه جانبه توسعه چند بعدی و... در سایه ترکیب عالی عدالت و مدیریت در حکومت آن حضرت پدید می آید.

در این نوشتار از باب تیمن به چهل حدیث از احادیث مدیریتی آن حضرت استناد شده است که خود یک نوع از اربعینات محسوب می شود. به امید تحقق زود هنگام آن مدیریت و آن عدالت.

طبق وعده های

و حیانی و معصومانه، مدینه فاضله مهدوی سرانجام تشکیل خواهد شد و انتظار بشریت به پایان می رسد. البته «مدینه المهدی» به نوعی تکرار یا تداوم «مدینه النبی» است. پس مدینه فاضله مصداقی در گذشته و آینده دارد. برای اطلاع از «مدینه در پیش» می توان نگاهی به «مدینه در پس» انداخت؛ نسخه برابر اصل است؛ دو بانی و معمار هم نام و همراه هم کنیه، با یک عمامه و زره و شمشیر و اسب و قرآن و برنامه، یکی خاتم الانبیا و دیگری خاتم الاوصیا، یکی صاحب «ولایه کلیه بالاصاله» و دیگری «صاحب ولایه کلیه بالتبعیه»، یکی «مشبه» و دیگری «مشبه به»، با وجود شباهت فراوان که در اخبار آمده است. تنها تفاوت در «کمیت» است؛ در «کیفیت» همه چیز مثل و مانند هم است. تفاوت در زمان و مکان و اندازه است. درست مثل عکس که بزرگ می شود. کیفیت یک عکس (۳۰ در ۴۰) همان کیفیت عکس (۳ در ۴) است، بزرگ شده است با رعایت همه اصول و قواعد و غیره. اگر بخواهی بدانی مهدی (ع) چه می کند بین نبی (ص) چه کرده است.

اما برای اطلاع از مدینه آینده، علاوه بر نمونه تاریخی نبوی، انبوهی از اطلاعات و حیانی و معصوم هم به شکل پیش گویی و پیش بینی، در اختیار منتظران است. از خلال این اخبار آسمانی، چشم انداز مدینه فاضله مهدی روشن می شود.

بنابراین شبکه اطلاع رسانی وحی و عصمت، آنچه را شوق انگیز و امید آفرین است در دست رس تشنگان عدالت مهدوی قرار داده است. اطلاع از آن هندسه عدالت و امنیت و سلامت و رفاه و علم، بشر را از وضع موجود بیزار و باشتاب به

آن افق موافق سوق و شوق می دهد. مگر نه این که شب عاشورا، سیدالشهدا (ع) با انگشت ولوی پرده از غیب برداشت و مساکن طیبه هریک از یاران را نشان داد و آن شد که فردا در میدان کربلا هیچ کس را هوای ماندن در دنیا نبود و مسابقه شهادت و پرواز همه را گرفته بود.

آیا می توان از «مدیریت مهدوی» و از «عدالت مهدوی» به گونه ای پرده برداشت که تندیس مقدس آن مدینه «امن و سلام» و «عدل و عقل» و... بی حجاب رخ بنماید و همگان را واله و حیران نماید؟ امری صعب و مشکل است. البته در فاصله دو مدینه، غدیر و عاشورا و انقلاب اسلامی را داریم که هر کدام رنگی و آهنگی از مدینه المهدی را دارند.

در این نوشتار، «مدیریت» و «عدالت» واژگان اساسی هستند که ارتباطشان با هم و سپس با مهدویت مورد بحث است. گویا «مدیریت عادلانه» را دنبال می کنیم و شاید «عنصر عدالت در مدیریت مهدوی» را پی می جوئیم.

اما چرا عدالت؟ مگر نه اینکه گلواژه و بیت الغزل قیام آن حضرت عدالت است؟ منتظران مگر ترانه و ترنم نمی کنند که (جهان در انتظار عدالت و عدالت در انتظار مهدی) آیا مولای ما را «عدل منتظر» یا «عدل مشتهر» نمی نامند؟ معصوم چه فرموده و سروده است؟ آیا غیر از اینکه (با او زمین پر از عدل و داد می شود، بعد از آنکه پر از ظلم و جور بود)؟ آری، «عدالت» اصلی ترین گمشده بشریت و اکسیر اعظم و کبریت احمر است. با تحقق آن، امنیت و سلامت و علم و تربیت و همه نیازهای تاریخی دیرینه بشر تأمین می گردد.

عدالت چیست؟

دادن حق هر ذیحق؛

نهادن هر چیزی

در جای خود؛

موزون بودن (تعادل و تناسب و توازن)؛

میانه روی بین افراط و تفریط (اعتدال)؛

تساوی و نفي هرگونه تبعیض (تفاوت قائل نشدن بین افراد)؛

رعایت استحقاق در افاضه وجود (عدل در تکوین)؛

عدم ارتکاب کبیره و عدم اصرار بر صغیره (عدالت فردی و فقهی)؛

برابری اجتماعی (قسط، عدالت اجتماعی و قضایی و سیاسی و اقتصادی)؛

رعایت مفسد و مصالح در قانون گذاری (عدل در تشریح)؛

نقطه تعادل و تلاقی تمام فضائل (مثلاً عفت، شجاعت و حکمت که اوساط اخلاقی هستند، قدر جامعی به نام عدالت دارند) (نظریه عدالت ارسطو).

این منظومه ای از عدالت آفاقی و انفسی تکوینی و تشریحی، فردی و اجتماعی، اخلاقی و اعتقادی است. نقل جمع بندی استاد شهید مطهری در مفهوم عدالت جالب است (عدالت آنجا که به توحید یا معاد مربوط می شود، به هستی و آفرینش شکل خاص می دهد و نوعی جهان بینی است. آنجا که به نبوت و تشریح و قانون مربوط می شود، یک مقیاس و معیار قانون شناسی است... آنجا که به امامت و رهبری مربوط می شود، یک شایستگی است. آنجا که پای اخلاق به میان می آید، آرمانی انسانی است و آنجا که به اجتماع کشید، یک مسئولیت است).

امام خمینی (ره) می فرماید:

اسلام خدایش عادل است، پیغمبرش هم عادل است، معصوم و امامش هم عادل است، قاضی اش هم معتبر است که عادل باشد، فقیهش هم معتبر است که عادل باشد، شاهد طلاقش هم معتبر است که عادل باشد، امام جماعتش هم معتبر است که عادل باشد، امام جمعه اش هم باید عادل باشد. از ذات مقدس کبریا گرفته تا آخر زمامدار باید عادل باشد، ولات آن هم باید عادل باشند.

بنابراین امام عادل امامی است که حق هر ذی حقی را می دهد یا

پامال نمی کند. هر فرد یا چیزی را در جای خود قرار می دهد. از لحاظ رفتاری و منش و روش متوازن و متعادل است. از لحاظ نفسانی، گرد گناه نمی گردد. فضایل را در خویش نهادینه کرده است. در اجتماع، اقامه قسط و برابری قضایی سیاسی اجتماعی و اقتصادی می کند. مساوات ایجاد می کند. استحقاق ها را رعایت می نماید. در قانون گذاری رعایت مفسد و مصالح را می کند و به عبارتی، او هم قاضی عادل است، هم زمامدار عادل و هم قانون گذار عادل. او عدالت را از خداوند اقتباس کرده است که در اداره هستی و انسان به عدالت و رحمت تکیه دارد و همگان را به عدل امر می کند.

«همانا خداوند به عدالت و احسان امر می کند».

«ای کسانی که ایمان آورده اید، همواره برای خدا قیام کنید و از روی عدالت گواهی دهید. دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشاند. عدالت کنید که به پرهیزگاری نزدیک تر است و از معصیت خدا پرهیزید که خداوند از آنچه انجام می دهید با خبر است».

از آنچه تا به حال گفته شد (عدالت در بینش، عدالت در روش و عدالت در ارزش)، نتیجه می شود در (اخلاق و احکام و عقائد)، عدالت شاه نکته است، روح و جان است. بیهوده نیست که گفته شده «بالعدل قامت السموات و الارض» و گزاف نیست که شیعه را عدلیه خوانده اند. گویا عدالت ممتازکننده ترین عنصر اندیشه شیعی از غیر آن است.

علل و موجبات عدل

موجبات عدل را می توان به سه عامل تقسیم کرد: بودن قوانین و مقررات عادلانه، اجرا و تنفیذ آنها علی السواء؛ شعور مردم به حقوق خود که «لا یدرک الحق الا بالجد».

شاید علت اینکه در حکومت

علوی که مظهر عدالت در رأس آن بود، امام در محراب عبادت از شدت عدالت به شهادت رسید و مردم نیز نتوانستند او را تحمل کنند، فقدان عامل سوم بود؛ یعنی عدم درک صحیح مردم نسبت به حقوق خود؛ و الا از لحاظ قانون عادلانه و معجری عادل کمبودی نبود. اشکال در ضلع سوم مثلث عدالت بوده است و تا این سه ضلع تکمیل نشود، عدالت در حکومت و اجتماع تحقق نمی یابد و شاید علت تاخیر و طولانی ظهور حکومت و مدیریت عادلانه این باشد که شعور مردم و آمادگی ادراکی آنها بالا رود و هم سنگ دو ضلع دیگر شود.

و اما «اجرای عدالت» که ماحصل «مثلث عدالت» است، نیاز به مدیریت دارد؛ آن هم مدیریتی در سطح جهان با هر تنوع و تکثری که دارد.

مدیریت چیست؟

رهبری و مدیریت در عرف امروز با همه توسعه و شمولی که پیدا کرده است، اگر بخواهیم مرادف و همانندی برای آنها در مصطلحات اسلامی پیدا کنیم، باید بگوییم ارشاد و رشد و یا هدایت و رشد. قدرت رهبری همان قدرت بر هدایت و ارشاد است در اصطلاحات اسلامی.

رشد عبارت است از شایستگی و لیاقت برای نگه داری و استفاده و بهره برداری صحیح از وسائل و سرمایه های حیات.

با توجه به اینکه امامت مرادف رهبری است (در قیاس با نبوت که مرادف راهنمایی است)، مدیریت یک امام همان قدرت بر ارشاد و هدایت و توانایی و شایستگی نگه داری و استفاده و بهره برداری صحیح از وسائل و سرمایه های حیات خواهد بود.

وظایف مدیریت

با همه اختلافاتی که در میان صاحبان نظریه مدیریت وجود دارد، می توان پنج وظیفه را که بر آن نوعی اتفاق است بشماریم: سازماندهی، برنامه ریزی، نظارت، هماهنگی (رهبری) و انگیزش.

انواع مدیریت

مدیریت بحران، مدیریت توسعه، مدیریت منابع انسانی و مدیریت بهره برداری، از عمده ترین اقسام مدیریت است که در این تحقیق مورد اهتمام خواهد بود. چراکه گنجایش یک مقاله بیش از این اجازه نمی دهد.

مدیریت عادلانه

بعد از آشنایی اجمالی با مفاهیم «عدالت» و «مدیریت»، اکنون به مفاد ترکیبی آن دو می پردازیم. مراد چیست؟

باید گفت اگر بخواهیم مدیریت را نظر به همه افراد و انواع آن و به تفصیل بحث کنیم امکان ندارد. لذا از زاویه عدالت به مدیریت می نگریم و در حقیقت، از «اجرای عدالت» بحث می کنیم.

سازمان عبارت است از گروهی متشکل از دو یا چند تن که در محیطی با ساختار منظم و از پیش تعیین شده برای اهداف گروهی با یکدیگر همکاری می کنند. هنگامی که مدیران منابع مادر را با تلاش افراد (دست کم دو نفر یا بیشتر) به منظور رسیدن به هدف ها ترکیب می کنند عمل سازماندهی انجام می شود.

در ذیل عنوان سازماندهی، مباحثی از قبیل ساختار سازمانی، اهداف ساختاری تقسیم کار، اختیار و مسئولیت و نیز بحث وحدت فرماندهی و بحث قدرت مطرح می شود که در این مقاله، به فراخور، اشاره ای به آنها خواهد شد.

۱. سازمان آن حضرت طبق تعریف فوق، اولین عنصر سازمان افراد آن هستند.

وقتی که قائم آل محمد (ص) ظهور کند خداوند او را با ملائکه مسومین مردفین و منزین و کروبین در حالی که جبرئیل جلو، میکائیل از طرف راست و اسرافیل در طرف چپ اوست یاری می فرماید رعب آن حضرت به اندازه یک ماه از طرف چپ می رود و ملائکه مقربین، در پیش روی آن حضرت هستند.

۲. اصحاب قائم سیصد و سیزده نفر از فرزندان عجم می باشند. بعضی از ایشان را در روز با آشنایی با نام خود و نام پدر و نسب و شمائل در ابر سوار می کنند و به مکه می برند و بعضی در رختخواب خود خوابیده، نابهنگام در

مکه دیده می شوند، بدون میعاد و سابقه قرار داد.

۳. اولین کسی که با قائم (ع) بیعت می کند جبرئیل است و سپس فرشتگان و نجبای جن و آن گاه نزدیکان و یاران آن حضرت.

۴. مفضل از امام صادق (ع) پرسید: آقای من، آیا فرشتگان و جنیان هنگام ظهور مهدی برای مردم ظاهر می شوند؟ امام فرمود به خدا سوگند آری و با مردم گفتگو خواهند کرد، آنچنان که با هم سخن می گویند. مفضل گفت: آیا فرشتگان همراه با مهدی (ع) حرکت خواهند کرد؟ امام فرمود: آری، مابین کوفه و نجف فرود می آیند و تعدادشان چهل و شش هزار فرشته و شش هزار جن است.

۵. وقتی قائم ما اهل بیت قیام کند، به محله ای از کوفه می رود، به پا می ایستد و با دست مبارکش به جایی اشاره می کند که بکنید آنجا را. حفر می نمایند. دوازده هزار شمشیر و دوازده هزار کلاه خود از آن جا خارج می کنند که به دوازده هزار از عجم و موالی (ایرانیان) می پوشانند.

۶. شیعیان ما در زمان سلطنت قائم (ع) بزرگان اهل زمین و حکام بر آنها خواهند بود به هر مردی از آنها از جانب خداوند قوت چهل مرد داده می شود.

حضرت ابوجعفر (ع) فرمود: شیعیان، قبل از ظهور، مرعوب دشمنان ما هستند؛ اما وقتی امر ما واقع و مهدی آل محمد (ع) ظاهر شد، هریک از شیعیان ما از شیر با جرأت تر و از نیزه برنده تر می شوند، دشمنان ما را لگدکوب می کنند و آنها را با دست می کشند.

۷. گویا قائم را بر فراز تپه ای در کوفه می بینم که زره رسول خدا (ص) را پوشیده است و سوار بر اسبی سیاه است و

چنان جنبش ایجاد می کند که ساکنان هر سرزمین او را در میان خود می بینند. پرچم رسول الله را به اهتزاز درمی آورد و هیچ مؤمنی باقی نمی ماند، جز آن که دلش همچون آهن سخت خواهد شد و قدرت چهل مرد را پیدا خواهد کرد. سیزده هزار و سیصد و سیزده فرشته همراه او (برای یاریش) خواهند بود؛ فرشتگانی که با نوح در کشتی بودند و با ابراهیم هنگامی که در آتش انداخته شد و نیز فرشتگانی که هنگام شکافته شدن دریا با موسی بودند و نیز آنها که با عیسی هنگام عروج به آسمان بودند و چهارهزار فرشته ای که روز عاشورا به یاری حسین شتافتند، اما حسین (ع) به آنها اجازه جنگیدن نداد. تمام این فرشتگان در زمین منتظر قیام قائم (عج) هستند.

۸. چون قائم (عج) ظهور کند و داخل کوفه شود، خداوند از گورستان وادی السلام هفتاد هزار صدیق را زنده می کند که همگی از اصحاب و انصار او می شوند. شیخ مفید (ره) نیز در کتاب ارشاد روایت کرده است که بیست و هفت نفر از قوم موسی و هفت نفر از اصحاب کهف و یوشع بن نون و سلمان و ابودجانه و مقداد و مالک اشتر از انصار آن حضرت خواهند بود و فرمانروای کشورها می شوند.

۹. هرگاه قائم (عج) قیام کند، خداوند به فرشتگان فرمان می دهد که بر مؤمنین سلام کنند و با آنان در نشست هایشان هم نشین شوند و هرگاه که یکی از مؤمنان نیاز و درخواستی [از حضرت] داشته باشد، قائم (عج) فرشته ای را به سراغ او می فرستد تا او را نزد قائم ببرد. سپس نیازش برآورده می شود و مجدداً به محل کار

خود برگردانده می شود. برخی مؤمنان در ابرها سیر می کنند و برخی شان با فرشتگان می پرند و برخی نیز با فرشتگان راه می روند؛ بعضی از مؤمنان از فرشتگان سبقت می گیرند و بعضی نیز مورد مراجعه فرشتگان برای تحاکم و قضاوت قرار می گیرند. در آن زمان، مؤمن نزد خداوند از فرشتگان گرامی تر است و قائم (عج) بعضی از مؤمنان را حاکم و قاضی بین صدهزار فرشته قرار می دهد.

۱۰. یاران مهدی، مردانی هستند فولاد دل که همه وجودشان یقین به خدا است. مردانی سخت تر از صخره ها که اگر به کوه ها روی آورند، آنها را از جای برمی کنند، درفش پیروزمند آنها به هر شهر و پایتختی روی می نهد، آنجا را به سقوط وادارد. گویی آنان مردان عقابان تیزچنگند که بر مرکب ها سوار شده اند. این شیرمردان پیروز و عقابان تیزچنگ برای تبرک و فرخندگی، دست خویش به زین اسب امام می کشند و بدین سان، تبرک می جویند. آنان او را در میان می گیرند و جان خویش را در جنگ ها پناه او می سازند و هرچه اشاره کند با جان و دل انجام می دهند.

این اخبار از سازمان آن حضرت، یاران حضرتش و سازماندهی ویژه ای که در زمان ظهور تحقق می یابد خبر می دهند که نکات ذیل (مخصوصاً در رابطه با عدالت) از آن قابل برداشت است:

الف یاران آن حضرت از همه ادیان و اقوام هستند: یهود، نصاری، اصحاب کهف، یوشع بن نون، سلمان، ابودجانه و مقداد و مالک اشتر (طبق حدیث ۸) و نیز فرشتگان، (مانند جبرئیل، میکائیل، اسرافیل) (حدیث ۴ و ۹) جنیان (حدیث ۴) ایرانیان (حدیث ۵) عجم (حدیث ۲) که شامل هر نژاد غیر عرب می شود و بسیاری از آنها پرونده

و نام و نشان دارند (حدیث ۲) و خیلی جاها و ملیت‌ها و اقوام دیگر که از احادیث دیگر قابل برداشت است. این امر حاکی از یک نوع عدالت در سازماندهی است که آن حضرت نیروهای خویش را صرفاً از یک نژاد و قوم خاص پذیرش و گزینش نمی‌کند و به شایستگی توجه می‌کند و شایسته‌سالاری را اعمال می‌کند و «شایسته‌سالاری» معیاری مبتنی بر عدالت است که معیارهای خویشاوندگرایی و رابطه‌گرایی و امثال ذلک را در گزینش کنار می‌زند.

سید محمد صدر در فصلی از کتاب ارزنده تاریخ ما بعد الظهور به بیان خصال یاران حضرت مهدی (ع) پرداخته است و تحلیلی در ذیل اخبار ارائه داده است که اخبار وارده را در بخش‌های ایمان، شجاعت، عبادت و میزان فرمانبرداری تقسیم کرده و نشان داده است که هیچ تبعیض و ترجیح بلا مرجح در سازمان انسانی آن حضرت، چه سازمان اداری، چه نظامی و... وجود ندارد. ما در این مقاله به این اخبار در بحث انگیزش خواهیم پرداخت. بنابراین عدالت در سازماندهی و گزینش یاران اولین قاعده استخراج شده این مقال خواهد بود.

ب این‌که در حدیث ۶ آمده است: «شیعیان ما در زمان سلطنت قائم بزرگان اهل زمین و حکام آنها خواهند بود» منافاتی با شایسته‌سالاری ندارد و دال بر تبعیض و ترجیح بی‌مورد نیست؛ چراکه اولاً شیعیان شامل تمامی نژادها و قومیت‌ها و کشورها و زبان‌ها خواهد شد و منحصر به گروهی خاص نیستند.

ثانیاً شیعیان کابینه اصلی و نیروهای کلیدی را تشکیل می‌دهند و از همه ساکنان ارض استفاده‌های به‌جای خود در سازمان حضرت مهدی (عج) خواهد شد.

ثالثاً علت دادن کلیدها و

پست های اصلی به شیعیان، حقانیت و امتیازات معنوی و سابقه مبارزاتی (عقیدتی) آنها است. آنها منتظران واقعی بوده اند که در زمان طولانی غیبت کبری، به انتظار فرج به عنوان افضل اعمال دل مشغول بوده اند و با ادعیه، صدقه، نماز، آمادگی و غیر ذلک ترجیحاتی را به دست آورده اند که دیگر یاران مهدی ممکن است چنین ویژگی نداشته باشند. شیعیان حکم حواریون و خصیصین را دارند و در حقیقت، قاعده اصلی و کانون مرکزی سازمان حضرت هستند. ترجیح آنان با مرجع و عین عدالت است، لذا خداوند در قرآن می فرماید:

کسانی که قبل از پیروزی انفاق کردند و جنگیدند با کسانی که پس از پیروزی انفاق کردند یکسان نیستند. آنها بلند مقام تر از کسانی هستند که بعد از فتح انفاق کردند و جنگیدند و خداوند به هر دو وعده نیک داد. و خدا به آنچه انجام می دهید آگاه است.

عدم تساوی مجاهدان قبل از فتح (و ظهور) و بعد از آن، منافات با عدالت ندارد؛ بلکه تساوی آنان ضد عدالت است. مگر نه این که یکی از مبانی اهل عدالت «اعطاء کل ذی حق حقه» می باشد؟ آیا حق سبق و حق سابقه در جهاد، حق نیست؟ این را حق ترجیح نام می نهیم. در حکومت نبوی و علوی هم به صاحبان سابقه امتیازات بیش تری می دادند. آنچه به عدالت در عین عدم تساوی اشعار دارد، تأکید قرآن بر این است که هر دو گروه با سابقه و بی سابقه از طرف خداوند وعده نیک دریافت می دارند؛ هرچند در روایتی آمده که ایمان بعد از فتح نفعی ندارد.

ج در روایات ما آمده که یاران مهدی «جان خویش را در جنگ ها پناه

او می سازند».

این هم منافاتی با عدالت ندارد و ظلم و تبعیض محسوب نمی شود. او خود طالب و مایل به حفظ جان خویش نیست؛ شمشیر او علامت جهاد و فداکاری اوست. این یاران مهدی هستند که حفظ او را حفظ اسلام و نظام می دانند. چگونه می شود وجود مقدسی را که همواره در انتظارش بوده اند به دم تیغ بسپارند. سید محمد صدر معتقد است:

«شاید مقصود روایت این باشد که حفظ جان امام (ع) فعالیت و تلاشی است مستقل که یاران ایشان انجام می دهند» تا به جهت استفاده از علوم و تعالیم و دستوراتش برگردد وجود او حلقه زده و علاوه بر این، با ایشار و اخلاص تمام جان او را نیز حفظ نمایند... چون امام را مظهر تمام عیار عدل و کمال می بینند. بدین سبب، در مقابل او، خضوع کامل دارند: «هم اطوع له من الامه لسیدها».

د در حدیث ۱۰، برتری مؤمنان بر فرشتگان در سازمان مهدی (عج) طرح شده است و فرشتگان در خدمت یاران او هستند. این نیز بیانگر نوعی عدالت است؛ چرا که فرشتگان که گناه نمی کنند. قدرت آن را ندارند. ولی یاران مهدی (ع) که با وجود قدرت بر گناه و عصیان، این گونه مطیع و معصوم هستند، قطعاً برترند. هم چنین در آغاز خلقت هم مسجود فرشتگان بوده اند و بعد از طی سیکل طولانی، حق به حق دار می رسد و فرشتگان کارگزاران مؤمنان می شوند، همان گونه که در خدمت اهل عصمت و طهارت بودند. آنان در خدمت رسول خدا (ص) بودند و در جنگ های متعدد (حدیث ۷) و در خدمت نوح و ابراهیم و عیسی بودند و در خدمت حضرت حسین بن علی

بودند (حدیث ۷) ولی حسین نپذیرفت. این جلوه از عدالت است آن هم به معنای قرار دادن هر چیز در جای خود که فرشتگان جای واقعی شان خدمت به مؤمنان است. این معنای از عدالت در کلیه گزینش های حضرت مهدی (عج) مطرح است که نمونه ای از آن را در گزینش شیعیان به بحث گذاشتیم که پست های کلیدی را اشغال می کنند.

ه یکی دیگر از جلوه های عدالت در حدیث ۸ ذکر شده که «خداوند از گورستان وادی السلام هفتاد هزار صدیق را زنده می کند که همگی از اصحاب و انصار او می شوند». اگر از وادی السلام الغاء خصوصیت شود، مردگانی که هر صبح مخلصانه در دعای عهد ترنم کرده اند که:

«گر مرگ بین من و مولایم فاصله شد، همان مرگی که برای بندگان حتمی و آمدنی است پس مرا از قبرم خارج کن تا با زره ای مثل کفن و شمشیر و نیزه آماده و آخته در دست به آقایم لبیک بگویم. هر جا باشم (دور و نزدیک)».

این دعا که از حنجره های پاک منتظران بلند می شده است، مورد استجاب قرار می گیرد و در رکاب او قرار می گیرند و این هم عدالت است که به معنای مساوات است و عدم تبعیض و فرق گذاری چه فرق است بین مردگان و زندگان در بهره وری از فیض لبیک به معصوم؟ چگونه است آنان که نه در کربلا بودند تا شهید شوند و نه در زمان ظهور زنده بودند تا در رکاب حضرت باشند با آن همه عشق از فیض جهاد در محضر امام (عج) محروم باشند. عدالت اقتضا می کند که آنها هم با حضرت باشند. این حدیث برای منتظران بسیار انگیزاننده است که بدانند

خداوند اجر آنها را ضایع نمی کند.

و یکی دیگر از جلوه های عدالت حضور زنان در سازمان آن حضرت است که از ۳۱۳ نفر، در نقل های مختلف، ۱۳ نفر، ۵۰ نفر و... هستند. به هر حال، این زنان در جنگ هم شرکت دارند و مسئولیت هایی را هم علی القاعده بر دوش دارند البته به تناسب شأن و توان آنها... به هر حال زنانی که در احد بوده اند (مثل نسیبه) و پیامبر حضورشان را تأیید کرده است و در کربلا بوده اند (مثل زینب و ام کلثوم فرزندان علی (ع)) به همین مناط، در رکاب آن حضرت هستند و تبعیض در این زمینه نیست. اعمال این عدالت در سازماندهی حضرت به معنای اعمال مساوات و برابری اجتماعی است.

اوصاف کلی یاران مهدی علیه السلام

روایاتی که اوصاف یاران حضرت مهدی (عج) را از نظر ایمان و اطاعت و شجاعت بر می شمارند بسیارند که به نمونه هایی اشاره می شود.

۱۱. قندوزی در کتاب ینابیع الموده از ابی بصیر نقل می کند که امام صادق (ع) فرمودند:

گفتار حضرت لوط (ع) درباره قومش که فرمود: ای کاش مرا قوتی یا پناهگاهی امن و استوار می بود که از شر شما محفوظ می ماندم، آرزویی است بر قدرت قائم ما (مهدی (ع)) و استواری یارانش که همان ارکان محکم می باشند. هر کدام از مردان و یاران مهدی (عج) دارای قدرت چهل مرد هستند. دل های آنها از پاره های فولاد محکم تر است. اگر بر کوه ها بگذرند، کوه ها در هم فرومی ریزند. دست از شمشیرهای خود در پیکار با دشمنان دین باز نمی گیرند تا آنکه خدای تعالی راضی شود.

۱۲. سیدبن طاووس از ابن زرین غافقی نقل می کند که حضرت علی (ع) فرمودند:

یاران

مهدی مردانی هستند فولاد دل که همه وجودشان یقین به خداست و مردانی سخت تر از صخره ها که اگر به کوه ها روی آرند، آنها را از جای برکنند. درفش پیروزمند آنان به هر شهر و پایتختی روی آرند، آنجا را به سقوط وادار سازند، گوئی آن مردان عقابان تیزچنگند که بر مرکب ها سوار شده اند، این شیرمردان پیروز و عقابان تیزچنگ برای تبرک و فرخندگی دست خویش را به زین اسب امام می کشند و بدین سان تبرک می جویند. آنان او را در میان می گیرند، جان خویش را در جنگ ها پناه او می سازند و هرچه او اشاره کند، با جان و دل انجام می دهند. برخی از آنان شب هنگام نخواستند و زمزمه قرآن و مناجاتشان هم چون زنبوران عسل فضا را آکنده سازد، تا بامداد به عبادت خدای بایستند و بامدادان سوار بر مرکب ها شوند.

آنانند راهیان شب و شیران روز و هم آنانند گوش به فرمان امام خویش، ایشان چون مشعل های فروزانند که دل های استوارشان بسان قندیل های نور در سینه شان آویخته است. این مردان تنها از خدا می ترسند فریاد «لا اله الا الله» و «الله اکبر» آنان بلند است. همواره شهادت و کشته شدن در راه خدا را آرزو می کنند و شعار آنان «یا لثارات الحسین» است. به هر سو روی می آورند، ترس و بیم از هیبت آنان، پیشاپیش در دل مردمان افتد (و تاب مقاومت از همه گرفته شود) این خداجویان سبک بال به سوی خداوند خویش روی می آورند و خدا به دست آنان امام حق را یاری

۱۳. قطب الدین راوندی در کتاب الخرائج والجرائح نقل می کند که:

امیرمؤمنان (ع) بر منبر فرمودند: در آخرالزمان مردی از فرزندان من به پا خواهد خواست... [تا اینکه می گویند:] هنگامی که پرچم او به اهتزاز درآید، شرق و غرب را در برمی گیرد و او دستان پربرکتش را بر سر بندگان خدا قرار می دهد. در این هنگام، مؤمنی باقی نخواهد ماند مگر آنکه قلبش از پاره های فولاد محکم تر شود و خداوند عزوجل نیروی چهل نفر را به او بدهد.

۱۴. همچنین در روایت متعدد دیگر مانند آنچه در صحیح مسلم ذکر شده است:

آنان بهترین دلیران روی زمین هستند. مردانی هستند که خدا را آن گونه که باید شناخته اند. آنها پرچم داران حضرت مهدی (ع) هستند. آنان فقیهان، قاضیان و فرمان روایانند.

اخبار فوق بخشی از اخبار فراوانی هستند که ویژگی یاران مهدی را بیان می کنند و در حقیقت، به «شایسته سالاری» دلالت دارند. شایسته سالاری در رابطه با عدالت، از چند منظر و معنا قابل لحاظ است.

الف عدالت به معنای عدم ارتکاب کبیره و عدم اصرار بر صغیره که ملکه درونی عدالت را تشکیل می دهد. این خصلت ها که ذکر شد، از عبادت، ایمان، شجاعت، اطاعت مولا و قدرت، همه حاکی از ملکه شدن این نوع عدالت در یاران مهدی است و آن حضرت عادلان را به این معنا گزینش می کند.

ب عدالت به معنای اعتدال، دوری از افراط و تفریط و گزیدن حد وسط در بین رذائل و فضائل است. اوصاف ذکر شده حاکی از یک اعتدال درونی هستند. مثلاً شجاعت که در اخبار آمده حالتی معتدل بین جبن و تهور

است.

د عدالت به مفهوم «اعطاء كل ذي حق حقه» و «وضع كل شيء في موضعه» آن حضرت پرچم خود را به مردان صالح و صادق و حق شناس می دهد که جز از خدا نمی ترسند و کشته شدن در راه خدا را همواره آرزو دارند و زمزمه قرآن و مناجاتشان چون زنبوران عسل فضا را آکنده سازد (حدیث ۱۲).

و طبق حدیث ۱۴، اینان فقهیان و قاضیان و فرمان روایانند. آری، چنین شایستگیانی برای چنین مناصبی مناسبند.

ه عدالت به معنای موزون بودن و متعادل بودن که در سازمان یاران مهدی محسوس است. نظم و اعتدالی که دارند، سازمان زیبایی که دارند و در جغرافیای وسیع شرق و غرب (حدیث ۱۳) و هر شهر و پایتخت (حدیث ۱۲) با این گستردگی از انسجام و انتظامی خوب برخوردارند و همین نظم و اعتدال عامل فتوحات آنان است. در این زمینه، کافی است به حدیث ۹ مراجعه شود و نیز حدیث ۴.

جمع بندی

سازماندهی آن حضرت کاملاً متکی به عنصر عدالت است (به تفصیلی که ذکر شد).

برنامه ریزی

دومین وظیفه مدیر بعد از سازماندهی برنامه ریزی است.

برنامه ریزی مانند پلی است میان جایی که هستیم و جایی که می خواهیم به آن برسیم. برنامه ریزی یعنی انتخاب مأموریت ها، هدف ها و اقداماتی برای نیل به آنها که مستلزم تصمیم گیری و انتخاب از میان بدیل ها برای اقدام آینده سازمان است.

برنامه ریزی اساسی ترین وظیفه در میان وظایف مدیریت است. دیگر وظایف مدیر، یعنی سازماندهی رهبری و کنترل، هدف هایی را پی می گیرند که در فرآیند برنامه ریزی پی گیری شده است. برنامه ریزی جایگاهی را که سازمان

در آینده باید در آن قرار گیرد تعیین می کند و سپس مجموعه هایی از اعمال کارساز را که برای رسیدن به این وضعیت در آینده ضروری است انتخاب و اجرا می کند. همه افراد سازمان ها و گروه ها باید برای فعالیت های خود برنامه ریزی کنند تا بتوانند به خواسته های خود جامه عمل بپوشانند.

آن حضرت (عج) برنامه ریزی دارد. برنامه ای برای اجرا و ایجاد عدالت، عدالتی در تمام ابعاد، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، امنیتی و... که همان قسط است و عدالت اجتماعی (به معنای اعم) حال به گوشه ای و شمه ای از برنامه های مهدی (عج) اشاره می کنیم.

امام علی (ع):

۱۵. در زمان حکومت مهدی (ع) گرگ و میش با هم در یک مکان زندگی می کنند. بچه ها با مارها و عقرب ها بازی می کنند، در حالی که اذیت نمی شوند. شر از میان می رود و خیر باقی می ماند.

۱۶. قائم ما با رعب و با پیروزی تأیید می شود. زمین در زیر پای او می پیچد و گنج های آن از برای او آشکار می شود. حکومت او مشرق و مغرب را فرا می گیرد و خداوند دینش را بر همه ادیان غالب می گرداند، گرچه مشرکان ناخوش دارند.

۱۷. وقتی قائم ما از مکه قیام کند و عازم کوفه شود، منادی به او ندا می کند هیچ یک از شما خوراکی و آشامیدنی بر ندارد. مهدی (عج) سنگ موسی را که دوازده چشمه از آن جاری می شود با خود حمل می نماید در هر منزلی که وارد می شود آن را نصب می کند و چشمه ها از

آن می جوشد و هر گرسنه از آن بخورد سیر و هر تشنه سیراب می شود. این توشه آنان خواهد بود.

۱۸. مهدی (عج) هفت سال حکومت خواهد کرد که هر سال از آن معادل ده سال از سال های شماسست. آن گاه خداوند آنچه خواهد انجام خواهد داد.

ابوبصیر می گوید: گفتم فدای تو شوم، چگونه این سالها طولانی می شوند؟

امام فرمود: خداوند به فلک امر می کند که کند حرکت کند. از همین رو، روزها و سال ها طولانی می شوند. ابوبصیر می گوید: اگر در فلک تغییری پیدا شود، عالم تباه می شود. امام (ع): این سخن زندیق هاست. اما مسلمانان این سخن را خواهند پذیرفت. چرا که خداوند برای پیامبر خود ماه را دو نیمه کرد. قبل از آن برای یوشع بن نون خورشید را برگرداند و خبر از طولانی بودن روز قیامت که معادل هزار سال شماسست داد.

۱۹. قائم ما به هر سو که رود، ابرها بر سر او سایه می افکنند و با زبانی فصیح می گویند این مهدی آل محمد (ص) است که زمین را پس از وفور بی عدالتی و ستم پر از قسط و عدالت می کند. همچنین زمین در زیر پای او می پیچد. (یعنی قدرت طی الارض خواهد داشت)

۲۰. چون قائم ما آل محمد (ص) قیام کند، شمشیرهای نبرد (از آسمان) فرود می آیند. بر هر شمشیری اسم خود و نام پدر صاحب آن شمشیر را نوشته اند.

۲۱. هر گاه قائم ما خروج کند، زمین گنج های خود را بیرون می برد و مردم هم آن را مشاهده می کنند.

۲۲. هنگام ظهور، زمین به نور قائم (ع) منور می گردد و تاریکی از

میان می رود و مردم نیاز به نورافشانی خورشید و ماه ندارند.

۲۳. در دوران ظهور، مؤمن پرنده ای از هوا به زیر می کشد، سپس آن را ذبح کرده و پس از بریان نمودن می خورد، اما استخوانش را سالم باقی می گذارد. آن گاه به آن می گویند به اذن خداوند زنده شو، پس زنده می شود و پرواز می کند و همچنین است در مورد آهوهای صحرا. در آن زمان قائم (عج) مایه روشنی شهرهاست و مردم نیازی به خورشید و ماه ندارند. بر روی زمین، نه جانوری مودی یافت می شود و نه شری و نه سمی و نه فسادی چرا که عدالت او آسمانی است و نه جن و شیطان در آن راهی برای وسوسه و فتنه انگیزی ندارند. بنابراین نه کردار زشتی وجود دارد و نه جسارتی و نه حسادت و نه چیزی از تباهی. زمین و درخت دچار آفت نمی شوند و کشتزارها سالم و برپایند و هرگاه چیزی از آن بگیرند، در وقتش می روید و به حالت اول برمی گردد. پدر خانواده به فرزندش لباس حریر می پوشاند، در حالی که پیوسته با اوست و مندرس نمی گردد و به هر رنگی که مایل باشد در می آید. برای شیطان در آن دوران بلدی یافت نمی شود که در آن مسکن گزیند و فرشتگان با مؤمنان مصافحه می کنند.

۲۴. او گنج ها را استخراج می کند، اموال را تقسیم می کند و اسلام را حاکم می کند.

۲۵. او متوجه شام می شود. جبرئیل و میکائیل اطراف او را می گیرند، اهل آسمان و زمین شادمانی می کنند، پرنده گان و وحشیان

و ماهیان شادی می کنند، آب در دوران او فراوان می شود و رودخانه ها جاری می گردند، زمین ثمرات خود را می افزایش دهد، گنج ها ظاهر و خارج می شوند.

۲۶. رسول خدا (ص) می فرماید:

در آخر امت من، مهدی خروج می کند. خدا باران را برایش فراوان می بارد و زمین، گیاه خود را می رویاند. او مال را به شکل صحیح تقسیم می کند، مرکب ها فراوان می شوند و مردم مورد اعظام و اکرام می شوند. او هفت یا هشت سال حکومت می کند.

۲۷. رسول خدا (ص) می فرماید:

مهدی هفت یا هشت سال حکومت می کند. امت من در آن در تنعم و رونق هستند که هیچ امتی این گونه در رفاه نبوده است. زمین هرچه دارد بدون کم و کاست رو می کند، مال در آن زمان مثل دوس است به هر کس می رسد. می گویند هرچه می خواهی بردار.

۲۸. در زمان قائم (عج)، فراوانی و وفور از جهت باران و کشاورزی است. کینه از دل بندگان می رود، وحشیان رام می شوند، یک زن بین عراق و شام عبور می کند. در حالیکه همه جا همواره گیاهان و مزارع است و زینت خود را با خود دارد، هیچ درنده ای او را دچار اضطراب و ترس نمی کند. اگر می دانستید به خاطر ایستادگی در برابر دشمن و تحمل ناروائی که می شنوید چه چیزی برای شما خواهد بود و هر آینه دل های شما شاد می شد.

۲۹. امیرالمومنین (ع) می فرماید:

مهدی (عج) فرماندهان (فرمانداران) را به شهرها می فرستد تا به عدالت بین مردم حکم کنند. گوسفند یا گراز یک جا خواهند بود، بچه ها با عقرب و مار بازی

می کنند، بدون آزار و اذیت... بدی می رود و خوبی باقی می ماند. رونق کشاورزی بی اندازه می شود. زنا، شرب خمر و ربا رخت برمی بندد، مردم به عبادت، شریعت و دیانت روی می آورند، نماز جماعت رونق می گیرد. عمرها طولانی می شود، امانات اداء می شود، درختان پرمیوه می شوند، برکات فراوان می گردد، اشرار نابود می شوند، اخیار باقی می ماند، دشمنان اهل بیت باقی نمی مانند.

این مشتی از خروار است. احادیث فراوان ولی مجال این مقال اندک است.

دو عنصر برنامه ریزی و عدالت از میان این اخبار نورانی موج می زند. نیاز به شرح نیست «عدالت اجتماعی» که شامل عدالت در همه عرصه ها می شود، کاملاً مشهود است.

در حدیث ۱۹، بحث از پر کردن زمین از قسط و عدل است و در حدیث ۲۸: بحث از حکومت عادلانه فرمانداران و کارگزاران او در بلاد است. از این قبیل اخبار که از اعمال عدل به شکل مطلق یاد می کند، در جوامع حدیثی مهدوی فراوان است. مخصوصاً که اصطلاح (مملو کردن) طرح شده، آن هم بعد از مملو بودن از ظلم، پر کردن عدل یعنی فراگیری و گسترش و همه جانبگی عدالت. استاد مطهری می گوید:

«آیات قرآنی عدل را چهار قسمت کرده: عدل تکوینی، عدل تشریحی، عدل اجتماعی و عدل اخلاقی و آنچه در قرآن در زمینه عدل اجتماعی آمده، چهار قسمت است: عدل خانوادگی، عدل قضایی، عدل اصطلاحی اجتماعی و عدل سیاسی بیش ترین آیات مربوط به عدل و درباره عدل جمعی و گروهی است، اعم از خانوادگی، سیاسی، قضایی، اجتماعی. تا آنجا که این بنده به تقریب به دست آورده

در حدود ۱۶ آیه در این زمینه است.

برنامه حضرت مهدی (عج) امتلاء ارض از عدالت به صورت تمام و کمال است والا (یملأ الارض به قسطا و عدلا) معنا ندارد و اما آنچه از اخبار به دست می آید و جز برنامه عادلانه اوست:

الف عدالت اقتصادی (آشکار شدن گنج ها در حدیث ۱۶) که در احادیث فراوانی به آن اشاره شده، حاکی از یک فعالیت عظیم و رونق اقتصادی است که آنچه ثروت در دل زمین است استخراج می شود. هرچند لحن آیات حاکی از یک اعجاز و کرامت است، ولی می تواند حاکی از قدرت مدیریت برنامه ریزی آن حضرت در به کارگیری نیروها هم می باشد. به هر حال، این اصطلاح مکرر (آشکار شدن گنج ها)، سمبلی از رونق و استخراج معادن گوناگون است یعنی مدیریت بهره وری یعنی استفاده از جمیع امکانات زمین، نه اینکه زمین پر از ثروت باشد و مثل بعضی کشورها، مردم روی آن گرسنه قدم بزنند.

ب اصطلاح «فراوانی باران» (حدیث ۲۵ و ۲۶)، «جوشش چشمه ها» (حدیث ۱۷)، «فراوانی آب در دولت او» (حدیث ۲۵) حاکی از عدالت است چرا که در اخبار است اگر عدالت قضایی باشد، آسمان می بارد. و نیز حاکی از یک (مدیریت آب) است که از شاخه های مدیریت بهره وری است.

ج عدالت بالسویه اجتماعی کاملاً مشهود است چرا که لحن حدیث مطلق است و شامل همه انسان ها در همه زمین می شود. بحث از سرزمین خاص نیست قلمرو حکومت او سراسر سرزمین و همه انسان ها هستند و طبق اخبار که هیچ قیدی ندارد، این ثروت جوشان، فراگیر و بدون

تبعیض است و شعبه ای از رحمت رحمانیه است.

د در تعریف برنامه ریزی گفته شد انتخاب اهداف از عناصر اصلی آن است و کلیه اقدامات و تصمیم گیری ها برای رسیدن به آن اهداف انجام می پذیرد. مهدی (عج) از حکومت خود چه هدفی دارد، جز همان اهداف که رسول خدا (ص) و امیرالمومنین (ع) داشتند کما اینکه آن حضرت در یک خطبه به چهار هدف اشاره می کند (احیای معالم و شعائر دین خدا، اصلاح (آبادانی شهرهای خدا) امنیت بندگان مظلوم خدا و اقامه حدود خدا) همین اهداف را امام حسین (ع) هم به عینه بیان می کند. این اهداف در یک کلمه قرآنی (قیام به قسط) خلاصه می شود.

در اخبار فوق، مهدی هم امنیت می آورد. نماد امنیت بازی کردن بچه ها با عقرب ها و مارها بدون ترس (حدیث ۱۵)، مسافرت یک زن با زینت بدون ترس از عراق به شام (حدیث ۲۸)، جمع شدن گرگ و میش با هم (حدیث ۱۵)، رفتن بدی ها و بدها و باقی ماندن خوبی ها و خوبیها (حدیث ۲۳) می باشد. این ها سمبل امنیت بندگان مظلوم است که «زن و بچه» به عنوان مثال اتم است که نوعا در بحران ها دچار وحشت می شوند (بیش از مردان) و پر واضح است که امنیت کامل در سایه عدالت قضایی است. اگر قاضیان عادل نباشند و احقاق حق و ابطال باطل نکنند، امنیت افسانه ای بیش نخواهد بود. قرآن می فرماید:

«(در زمان ظهور) خداوند برای مؤمنان و عاملان صالح خوف را به امنیت تبدیل می کند.»

و این وعده خدا تحقق می یابد. «اصلاح در بلاد» که از

اهداف حکومت علوی بوده است هم در حکومت مهدوی از خلال اخبار مشهود است. نسل ها اصلاح می شود، اخلاق ها اصلاح می شود، بدی ها وجود ندارد، منکر زائل می شود، لباس ها مندرس نمی شود. هر رنگ بخواهند ظاهر می شود (حدیث ۲۳) اگر دقیق مرور شود، رونق اقتصادی و بی نیازی مردم از هر حیث حاکی از یک عدالت اقتصادی است. فقر توزیع نمی شود که نوعی عدالت منفی است بلکه فراوانی و ثروت توزیع می شود. این حدیث پیامش این است که کسی زیر خط فقر نیست. تهاجم فرهنگی از بین می رود که نوعی عدالت فرهنگی را می رساند (برای شیطان جایی باقی نمی ماند) یعنی اینکه تهاجم و نقشه های او شکست می خورد. هیچ پدری جلوی فرزندش خجل نیست. تسلط اقتصادی و فرهنگی دارد. مردم مرغ را می خورند، دوباره زنده می شود، یعنی هیچ کمبودی نیست. تمام اهداف چهارگانه علوی و تمام اقسام عدالت که استاد مطهری شمرد، همه در این اخبار مندرج است.

ه برخی اندیشوران برآنند که امام مهدی مبدءال آیات است یعنی صاحب معجزه است و تمام برنامه ریزی و سازمان دهی و رهبری و نظارت او اعجاز آمیز است و اخبار حاکی از این امر است. و لذا مدیریت او با استانداردهای مدیریت مادی و تمدنی سازگار نیست طرحی نو در می اندازد با ساقی به هم می سازد و سقف می شکافد و نیز برخی دیگر برآنند که عدالت مهدوی ناشی از عدالت خدایی است و عدل مثل توحید امری فطری است. و چون تمدن موجود بشری افسار گسیخته و به دور از استانداردهای عدل

فطری است و امام مهدی (عج) عدالت فطری را پیاده می کند. پس لاجرم با این تمدن های مادی و اندازه های آن نمی سازد و از راهبردها و راه کارهای دیگر فوق مادی استفاده می کند و جامعه ای بدور از معیارهای شناخته شده می سازد.

به نظر می رسد که لحن اخبار و ادبیات خاص آن که مبتنی بر فرهنگ مغیبات است موجب چنین برداشت هایی شده است در صورتی که اندیشمندی دیگر معتقد است که همه چیز عادی و مادی است حتی اگر بحث از نوری در کف دست یاران مهدی دیده می شود که از یکدیگر اطلاع پیدا کنند همین وسائل ارتباط الکترونیک جدید است و نه امری خارق العاده، آنچه حق است امری میان این دو نوع اندیشه است.

حکومت حضرت مهدی (عج) چون آخرین حلقه حکومت ولوی و رحمانی است علی القاعده از نوعی کرامت برخوردار خواهد بود تا ریشه تمام ظلم و استکبار را بکند و بخشکاند و چون سنت خداوند جریان امور از طریق اسباب است از تدابیر سیاسی اجتماعی و اقتصادی شناخته شده استفاده می شود منتهی با قدرت و سرعتی خارق العاده تر و به قول بعضی متفکران معاصر (اینکه همه سلاح ها در مقابل مهدی (عج) از کار می افتد به این علت است که حضرت مهدی (عج) آگاهی می دهد لذا آن ها به ناکارایی سلاح ها و تو خالی بودن دشمنان پی می برند و مقابله می کنند و آن سلاح بی تاثیر می شود در مقابل اراده مردم مثل انقلاب بهمن ۵۷) با این برداشت ادبیات کرامت آمیز مهدوی که تا بحال ۲۹ نمونه از آن، در

این مقاله نقل کردیم. در عین خارق العاده بودن تاثیر به خاطر شخصیت خارق العاده حضرت مهدی (عج) همه چیز را از طریق اسباب خودش پی می گیرد. و حضور فرشتگان و اجنه هم از این قبیل قدرت های روانی و روحی است که گاهی تحت عنوان (رعب) در بعضی اخبار طرح شده است (حدیث)

این نکته را از این جهت نقل کردیم که وقتی از عصر عدالت همه جانبه در برنامه ریزی آن حضرت سخنی می رانیم نگاه صحیحی داشته باشیم. چرا که حکومت مهدوی همانند حکومت نبوی و علوی برای ما منتظران الگوست صرف امیدزایی نیست باید با استانداردهای بشری قابل تحقق باشد تا بتوانیم در حکومت های اسلامی قبل از حکومت مهدوی به تحقق عدالت اجتماعی همت گماریم.

بر این اساس حدیث ۱۷ که از سنگ موسی که همراه مهدی است و واجد همه تدارکات است می تواند وسیله ای بسیار پیش رفته باشد چرا که قسمت اعظم علم نزد حضرت مهدی (عج) است و می تواند پیش رفته ترین امکانات را در اختیار بگیرد.

نکته ای که باقی می ماند لحن شدید امام صادق (ع) در حدیث ۱۸ است که مخالفان طولانی شدن سال ها را زندیق می شمارد کما اینکه مخالفان انشقاق قمر به دست رسول خدا (ص) را زندیق می انگارد. زندیق منکر قدرت خارق العاده الهی است. باید گفت اگر ما قاعده (جریان امور از طریق اسباب) را بپذیریم همه چیز حل می شود. حتی طولانی شدن زمان، کما اینکه در تعریف معجزه و تمایز آن با سحر به همین نکته (تکیه بر اسباب) اشاره و تکیه می شود.

به تناسب نکته ای برنامه ریزانه هم گفته

شود و آن اینکه از انواع برنامه ریزی مدیریت زمان است و حدیث ۱۸ به آن هم اشاره دارد. مدیریت زمان علاوه بر تعریف اصطلاحی آن که بهره برداری بهینه از زمان است و شعار مبنایی آن (توزیع الوقت توسیع الوقت است) با الهام از این حدیث می تواند معنای خاصی پیدا کند و آن مدیریت زمان با ولایت تکوینی است که بتوان آن را توسعه داد، و شاید این معنا باشد که توسیع و طولانی شدن وقت حاکی از بهترین استفاده از زمان است. وقتی از ثانیه ثانیه به شکل مفید استفاده کنیم زمان اضافه می آوریم. صاحبان مدیریت زمان در ۲۴ ساعت که دیگران هم در اختیار دارند برآمدی ۷۲ ساعته یا بیش تر دارند، چرا که بلدند چگونه استفاده کنند، این رمز و راز مدیریت زمان است، بر این اساس توجه به تدبیر الهی حضرت مهدی (عج) و مدیریت فوق عالی زمانی توسط ایشان گویا زمان طولانی تر از همیشه است مثلاً در حدیث شماره ۲۶ مدت حکومت ایشان را به هشت یا نه سال دانسته است ولی همین زمان وقتی خوب بهره برداری شود با هزار سال برابر است.

لذا آن حضرت برنامه ریزی عادلانه و خارق العاده خود را که در همه ابعاد است در همین مدت کوتاه انجام می دهد... از این رو نیاز نیست خیلی خود را اسیر اعداد و ارقام نماییم. (والله العالم) این همان عدالت بی پایانی است که توسط آن حضرت انجام می گیرد.

و حدیث ۲۰ حاکی از مسلح بودن و توانایی نظامی همگانی است همه به نامشان شمشیری ثبت است این نوعی عدالت است که

همه آموزش دفاعی و نظامی می بینند و نیز فراوانی سلاح را نشان می دهد در مقابل این امت مسلح و تحت فرمان فرمانده چگونه می توان ایستاد؟!

ح حدیث ۲۲ حاکی از اوج عدالت اجتماعی است که آنچنان صحنه ها را نورانی می کند که گویا مردم نیازی به نورافشانی خورشید و ماه ندارند. و چون نور فراگیر است، پس عدالت او فراگیر است.

ط حدیث ۲۵ حاکی از رضایت همگانی از حکومت آن حضرت است که ناشی از اعمال عدالت است. چرا که شادی آسمان و زمین را ناشی از ظهور او و ظهور آب و گنج از آسمان و زمین می داند این یک عدالت رضایت آمیز است.

ی در حدیث ۲۶ بحث از تقسیم صحیح اموال است که همان توزیع عادلانه ثروت است که به لفظ (صحیح) از قول نبی اکرم (ص) طرح شده است یعنی عمده ترین معضل اقتصادی حکومت ها و دولت ها را حضرت مهدی (عج) با مدیریت عادلانه و برنامه ریزی عادلانه اقتصادی خود حل می کند و به گونه ای که رسول خدا (ص) در حدیث ۲۷ بر بی نظیری رفاه مهدوی اشاره می کند آنقدر مردم در اثر این توزیع بی نیاز می شوند که سیاست چک سفید اعمال می شود و طبق حدیث ۲۷ مال در یک ظرف است و هر کس به شکل آزاد از آن برمی دارد.

ک این عدالت اقتصادی و این برنامه ریزی کم نظیر اجتماعی از آن رو به ثمر می نشیند که طبق حدیث ۲۹ در آن ربا وجود ندارد، ربا مظهر اقتصاد و تجارت نامشروع و غیر صحیح است و این

یک پیام است برای کلیه اقتصاد دانان که تنها راه عدالت اقتصادی گریز از ربا و خانواده آن است (هر نوع فساد اقتصادی) حدیث ۲۹ می گوید وقتی ربا و زنا و بدی و شرب خمر نیست، عمرها طولانی تولیدات عالی دیانت و امانت موجه و معروف و برکات فراوان می گردد. و اینکه می فرماید دشمنان اهل بیت باقی نمی مانند کنایه از این است که اقتصاد اهل بیت حاکم می شود اقتصادی که قرنها مانع از تحقق داشته است بدست مهدی (عج) پیاده می شود.

جمع بندی: پس عدالت اجتماعی اعم از عدالت قضایی، فرهنگی، اقتصادی و خانوادگی و شغلی و امنیتی است که از خلال اخبار فوق استنتاج شد. و دست آورد دست پر قدرت مهدی (عج) می باشد. که ناشی از برنامه ریزی است به عنوان یکی از پنج وظیفه مدیریت.

نظارت

سومین وظیفه یک مدیر نظارت است

نظارت یا کنترل را به گونه های مختلف تعریف کرده اند در همه این تعریف ها کنترل را نوعی مقایسه بین آنچه هست و آنچه باید باشد دانسته اند یکی از این تعاریف از استونر است که می گوید:

کنترل مدیریتی فرآیندی است جهت حصول اطمینان از این که فعالیت های انجام شده با فعالیت های برنامه ریزی شده مطابقت دارد در واقع کنترل فراگیرتر از برنامه ریزی است کنترل مدیران کمک می کند تا مراقب اثر بخشی فعالیت های برنامه ریزی، سازماندهی و هدایت باشند، بخش اصلی فرآیند کنترل، اعمال اقدامات اصلاحی مورد نیاز است.

یکی از عللی که موجب می شود مدیران به سختی تفویض اختیار کنند این است که نگرانند زیردستان کاری را که مسئولیتش بر عهده

آنان است به درستی انجام ندهند، اگر مدیر نظام کنترل موثری به وجود آورد این بی میلی به تفویض اختیار کاهش می یابد. مدیرانی که اختیار خود را تفویض می کنند چون نهایتاً خود مسئول تصمیم هایی هستند که زیردستان می گیرند به سازوکار بازخورد نیازمندند.

نظارت ها دو دسته است:

اول خود نظارتی یا نظارت از درون؛

دوم نظارت بیرونی و سازمانی.

در دید اسلام نظارت درونی بر دو پایه عدالت و تقوا است؟ اعدلوا هو اقرب للتقوی؟ «عدالت کنید به تقوی نزدیک شوید» عدالت در این معنا همان اعتدال درونی و کسب اوساط از فضایل و نیز دوری از کبائر و عدم اصرار بر صغائر و اموری که مورد نظارت هستند عبارتند از: افراد امور مالی، عملیات و برنامه ها.

در حکومت مهدی (عج) نظارت چگونه است؟ به چند خیر مهدوی اشاره می کنیم:

۳۰. چون قائم آل محمد قیام کند به هر اقلیمی مردی می فرستد و به او می گوید: فرمان تو در کف توست چون با موضوعی مواجه شوی که از آن سردرniaوری و نفهمی به کف دست خود نظر کن و به هر چه در او بینی عمل نما قشونی به قسطنطنیه می فرستد چون به خلیج برسند چیزی بر پاهای خود می نویسند و روی آن راه می روند اهل روم آنها را می بینند و می گویند اینها اصحاب او هستند که روی آب راه می روند پس خود او چگونه است؟ آن گاه دروازه شهر را به روی آنان باز خواهند کرد آنها وارد می شوند و هر چه بخواهند حکم می نمایند.

۳۱. هر گاه قائم ما قیام کند خداوند به گوش ها و چشم های شیعیان ما قوه

و نیرویی بخشد در حالی که بین آنها و قائم (ع) واسطه ای نباشد، با شیعیان ما تکلم فرماید و آنها می شنوند و به آن حضرت می نگرند در حالیکه آن حضرت در مکان خود می باشد.

۳۲. گویا قائم را می بینم که در پشت نجف بر اسبی سیاه همراه با نقاطی سفید و خطی سفید در پیشانی آن سوار شده است آن گاه آن را به حرکت می آورد و در پس در این هنگام اهل همه سرزمین ها او را در پشت سرزمینشان مشاهده می کنند.

۳۳. در خصوص قول خداوند؟ اینما تکونوا یات بکم الله جمیعا؟ «هرجا باشید خدا همه شما را جمع می کند» ابالحسن (ع) می فرماید: مربوط به قیام قائم است که خداوند جمع شیعیان را از جمیع بلدان جمع می کند.

۳۴. امام باقر (ع) در تفسیر آیه؟ الذین ان مکنا هم فی الارض اقاموا الصلوه و آتوا الزکاه و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر فلله عاقبه الامور؟ فرمود: این مربوط به آل محمد (ص) است مهدی (ع) و اصحاب او را خداوند در مشارق و مغارب زمین حاکم می گرداند دین را پیروز می گرداند و بوسیله مهدی و اصحاب او بدعت ها و باطل را زائل می کند پیروان باطل را هم زائل می کند تا اثری از ظلم نماند یاران مهدی امر به معروف و نهی از منکر می کنند و

عاقبت امر از آن خداست (سرانجام دین خدا حاکم می شود).

۳۵. امام صادق (ع) فرمود: در زمان قائم مومنی در شرق برادرش را در مغرب مشاهده می کند و آنکه در مغرب است برادرش را در مشرق می بیند.

اخبار فوق حاکی از نظارت آسان

و جمعی است همه تحت نظر دیگری و دیگران هستند (حدیث ۳۵ و ۳۱). امر به معروف و نهی از منکر به عنوان نظارت عمومی رایج است و از برنامه های اصلی دولت مهدی (عج) است (حدیث ۳۴) از خصوصیات یاران مهدی (عج) به شکل بارز ایمان و تقوی و شجاعت است (احادیث ۷ تا ۱۴) که خود حاکی از یک نظارت درونی یا خود نظارتی است که در مدیریت نوین به آن اهتمام ویژه ای می شود.

مدیران را از نظارت تحمیلی پرهیز و به خود نظارتی سوق می دهند و این همان نهادینه شدن ملکه تقوی و عدالت است. بنابراین ظهور عدالت درونی که عامل پرهیز از گناه و موجب تعادل اخلاقی و فضیلتی است در یاران مهدی موج می زند و نظارت را خود بخود اعمال شده قرار میدهد... (این یک جلوه از عدالت در نظارت و مدیریت عادلانه مهدی)

از سوی دیگر در مدیریت نوین از (نظارت موثر) صحبت شده است که عبارت است از نظارتی که به جمع آوری اطلاعات اکتفا نمی کند بلکه با استفاده از بهترین ساز و کارهای نظارتی و بهترین راه کارها تا پایان پیش می رود و کار نظارت را با اقدام اصلاحی تمام می کند. آن گاه یکی از خصلت های نظارت موثر (اعتدال در نظارت) شمرده شده که میانه روی در نظارت است نه خیلی زیاد نه خیلی کم و گفته شده نظارت زیاد به لجاجت، فریب دادن و دادن اطلاعات غیر معتبر و اصلاحات مقطعی می انجامد و نظارت کم به تورم هزینه ها می انجامد، لذا نظارت معتدل سفارش شده است.

ما یکی از معانی عدالت را معنای چهارم میانه روی و

دوری از افراط و تفریط آوردیم. و حکومت مهدی (عج) که مظهر عدالت تمام عیار است از بعد میانه روی هم بهره مند است لذا آن حضرت از نظارت میانه و موثر استفاده می کند. چون یارانش پاک و پاک باخته هستند، به شکل خودجوش کار می کنند ولی از آن جهت که فرد هرچه بهتر باشد بازهم نظارت می خواهد برای این کار طبق حدیث ۳۰ در کف دست آنها نوری قرار داده که عامل ارتباط و نظارت است... علاوه بر اینکه نظارت عمومی امر به معروف و نهی از منکر هم وجود دارد. (طبق حدیث ۳۴).

وجه سوم عدالت در نظارت عدالت به معنای مساوات و رفع تبعیض است چرا که لسان اخبار مطلق است و همگان را شامل می شود حتی خود حضرت علاوه بر اینکه از سوی خداوند تحت نظارت است. از سوی مردم هم به وسیله امر به معروف و نهی از منکر و بوسیله نور در کف دست هر فرد تحت نظارت است هر چند عصمت درونی او را بی نیاز کرده است ولی عدالت اقتصادی تعمیم در نظارت را دارد. چرا که ملاک نظارت وجود اختیار و مسئولیت است. و بالاترین مسئولیت در اختیار مهدی (عج) است. (او نیز همانند جدش علی (ع) که خود را از نظارت مستثنی نمی دانست و مردم را به نصیحت خویش دعوت می کرد، خود را از نظارت مردم مستثنی نمی داند؛ اگرچه در عمل موردی برای اقدام اصلاحی پیدا نشود. و دلیل دیگر این نظارت پذیری مهدی (عج) این است که الگو بودن حکومت برای حکومت های قبل از ظهور هم باقی بماند که همه

خود را نیازمند نظارت بدانند.

جمع بندی؛ نقش عنصر عدالت در نظارت: (طبق معانی ده گانه عدالت که در آغاز این مقاله آمده است)

نظارت درونی یا خودنظارتی که همان کلمه عدالت و تقوا است؛ (معنای هفتم و دهم عدالت).

نظارت معتدل و به دور از افراط و تفریط؛ (معنای چهارم عدالت).

نظارت عام و همگانی از پائین به بالا یا از بالا به پائین بدون تبعیض. (معنای پنجم عدالت).

انگیزش

چهارمین وظیفه یک مدیر انگیزش است. انگیزش از ساده ترین و در عین حال پیچیده ترین وظایف مدیریت است. به این دلیل ساده است که مردم به سوی رفتاری که احساس کنند پاداشی در پی دارد برانگیخته می شوند. بنابراین؛ برانگیختن شخص نباید کار چندان دشواری باشد؛ فقط باید مشخص شود که شخص چه می خواهد تا بتوان از آن به عنوان پاداش و انگیزه استفاده کرد. در همین مرحله نیز انگیزش پیچیده می شود؛ چرا که آن چه را که یک نفر به عنوان پاداش مهم تلقی می کند، ممکن است برای شخص دیگری مهم نباشد. افراد از نظر چگونگی پیش بینی موفقیت خود با هم متفاوتند. با این حال علی رغم پیچیدگی انگیزش، تردیدی نیست که انگیزش اساس مدیریت است. اگر مدیران نتوانند به گونه ای کارکنان را تشویق به کار کنند، در مدیریت موفق نخواهند شد. درباره انگیزش، نظریات متفاوتی ابراز شده است؛ ویکتور روم، مازلو، فردریک هرزبرگ، مک کلاند، وسل گلرمن و گری دسلر که مشهورترین آن ها نظریه ابراهام مازلو است که براساس سلسله مراتب نیازها از مادی به معنوی تنظیم شده است. او معتقد است تامین نیاز عمده ترین عامل انگیزش است. خاصیت انگیزش این است

که افراد بدون خستگی و بیهودگی با عشق و علاقه نهایت توان را به کار می گیرند تا نیازهای خود را تامین کنند در نظریه مدیریت رحمانی بالا-ترین انگیزش به برآورده شدن متعالی ترین نیازها اختصاص یافته است. در حکومت مهدوی انگیزش یاران مهدی به اوج می رسد.

۳۶. مفضل بن عمر از امام صادق (ع) سوال کرد آقای من حضرت مهدی (عج) از کجا و چه گونه ظهور می کنند؟ امام (ع) فرمود:

ای مفضل تنها ظاهر می شود و تنها به خانه خدا می آید و تنها وارد کعبه می شود و آن روز را به تنهایی به شب می رساند. چون شب فرا آمد و مردم همه خواب رفتند جبرئیل و میکائیل و صفوف فرشتگان از آسمان نزد او فرود می آیند. جبرئیل به او می گوید: آقای من سخنت روا و امرت نافذ است. آن حضرت دست مبارک بر صورت خود می کشد و می گوید: ستایش خدای را که وعده خویش استوار فرمود و زمین را در قبضه ما گذاشت. در هر کجای بهشت که بخواهید منزل می گیریم چقدر خوب است اجر و پاداش عمل کنندگان در بین رکن و مقام می ایستد و به آواز بلند می گوید: ای جماعت نقبا، ای خاصان و آنان که شما را (خداوند) پیش از ظهور برای نصرت من ذخیره کرد، از صمیم دل و اطاعت کامل نزد من آید. صدای مبارک آن حضرت در شرق و غرب عالم به آن ها می رسد، بعضی از آن ها در محراب به عبادت مشغول و بعضی در رختخواب می باشند. به همین یک صدا همه آواز او را می شنوند، دعوتش را

اجابت کرده و اندازه یک چشم بر هم زدن به مکه می آیند. همه آنان پیش او در بین رکن و مقام حاضر می شوند. خداوند امر می فرماید نوری از آسمان تا زمین ستون وار کشیده شود و به آن نور همه مؤمنان که در روی زمین هستند روشنائی می گیرند و نوری از آن به اندرون خانه های مؤمنان بتابد و دل های آنان به تابش آن نور خرم و خرسند می شود.

۳۷. گویا می بینم که اصحاب قائم (عج) را که بین آسمان و زمین را پر کرده اند. چیزی نیست مگر مطیع آن ها حتی درندگان زمین و هوا همه چیز و همه کس در صدد تامین رضایت آن ها هستند. زمینی بر زمینی دیگر فخر می کند و می گوید امروز بر من یکی از اصحاب قائم (عج) گذشته است.

۳۸. فرج ما هنگامی است که صاحب این امر (قائم) با میراث های پیامبر اکرم (ص) از مدینه خارج شده رهسپار مکه معظمه گردد، راوی پرسید: میراث پیامبر اکرم (ص) چیست؟ فرمود: شمشیر، زره، عمامه، بُرد، تازیانه، پرچم، کمان و زین است. آن حضرت چون وارد مکه شد شمشیر را از غلافش در می آورد، زره و بُرد و عمامه را می پوشد، پرچم را برافراشته تازیانه را به دست می گیرد و از خدای تبارک و تعالی اذن ظهور می طلبد.

۳۹. امام باقر (ع) فرمود:

زمانی که قائم ما قیام کند دستش را بر سر بندگان قرار می دهد، پس عقل های آن ها را جمع می کند و خواسته های آنان با این کار کامل می شود.

۴۰. امام صادق (ع) در حدیثی طولانی که در آن

آمار یاران حضرت مهدی (عج) را به تفصیل کشورهای آن‌ها ذکر کرده است. در ضمن آن ابوبصیر می‌پرسد:

فدایت شوم آیا در زمین غیر از آنان کسی مؤمن نمی‌باشد؟ فرمود: بلی، ولی اینان کسانی‌اند که خداوند قائم (عج) را از میانشان برگزید. و آنان نجباء، قضاه، حکام و فقها در دین هستند. خداوند ظاهر و باطن آنان را پاک کرده به گونه‌ای که هیچ امر و حکمی بر آنان مشتبّه نمی‌شود. هر کدام از آنان خودش را با ۳۰۰ نفر برابر می‌داند.

تا این‌جا، چهل حدیثی که آورده شد، چهار وظیفه یک مدیر اسلامی و مهدوی روشن گردید. وظیفه پنجم که رهبری است، در حقیقت مجموعه این چهار وظیفه و چهل حدیث است. البته در این نوشته فرصت این مختصر مجال پرداختن به آن را نمی‌دهد.

انگیزش هم از این احادیث خاص برداشت می‌شود و هم از مجموعه چهل حدیث. وقتی امامی عادل باشد. خصایص رسول خدا (ص) را داشته باشد تمام ودائع رسول خدا (ص) را با خود حمایل کرده باشد، (حدیث ۳۸) آن برنامه عادلانه و آن نظارت عدالت محور و آن سازماندهی مبتنی بر اعتدال را داشته باشد، بدیهی است که همه به فرمانش در آیند. وقتی مساوات برقرار شود، هر کس به حق خود برسد و در جای خویش قرار گیرد. چگونه ممکن است که انگیزته نشود. وقتی مهدی (عج) ظهور کند از مکه صدا زند هر جا باشد خود را برساند (حدیث ۳۲)؟ این‌ما تکونوا یأت بکم الله جمیعاً؟ وقتی آن امام همام دست شفقت و قدرت بر سرها می‌کشد، عقل و اندیشه را جمع می‌کند،

عقل جمعی را به عقل فردی برتری می دهد و آرزوهای کودکانه و دراز را به آرزوهای واقعی و شرعی تبدیل می کند (حدیث ۳۹). چگونه جهش و جنبش در یاران ایجاد نشود و جان خود را پناه او قرار ندهند؟ (حدیث ۱۰) و هرچه را اشاره کند با جان و دل انجام ندهند. (حدیث ۱۰).

بی تردید اصلی ترین عامل انگیزش، وجود عدالت است که در تار و پود نظام مهدوی مشهود است. در سازماندهی، نظارت برنامه ریزی، رهبری و هماهنگی، این عنصر است که یاران او را به اهتزاز و ابتهاج در می آورد.

اگر ملاک انگیزش را تامین انواع نیازها بدانیم، طبق حدیث ۲۳ این نیازها کامل اشباع می شود و طبق حدیث ۹ (هرگاه که یکی از مومنان نیاز و درخواستی از حضرت داشته باشد قائم (عج) فرشته ای را به سراغ او می فرستد تا او را نزد قائم (عج) ببرد پس نیازش برطرف خواهد شد. و مجدداً به محل کار خود برگردانده خواهد شد). لذا مانعی از انگیزش وجود ندارد. واضح است که برطرف کردن نیازها جلوه ای تمام از عدالت و مساوات و برابری است. به عکس، ظلم، اجحاف و تبعیض در فروکاهیدن انگیزه های انقلابی و فداکارانه بسیار موثر است و چون امام مهدی (عج) مظهر عدل، بلکه خود عدل است، عدل مشتهر و منتظر است. او ظلم و جور فراگیر را ریشه کن می کند خواه ناخواه، همه به شکل اعجاب انگیزی برانگیخته می شوند. خداوند در قرآن چنین می فرماید:

ای کسانی که ایمان آورده اید هر کدام از شما از دینش برگردد خداوند به زودی قومی را جایگزین آنان می کند

که دوستشان می دارد و آنان نیز خدا را دوست می دارند. آنان در نزد مؤمنان فروتن هستند و در برابر کافران سربلند در راه خدا مجاهدت می کنند و از ملامت سرزنش کنندگان نمی هراسند. این فضل الهی است که به هر کس بخواهد عطا می کند.

که عده ای از مفسران اصحاب مهدی را مصداق بارز این آیه می دانند.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

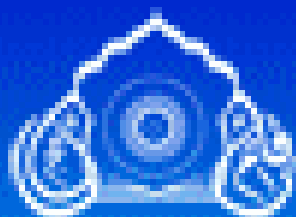
ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

خانه کتاب

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

